



قرآن کریم

چگونگی نزول دفعی و تدریجی

آیت الله جوادی آملی

مقدمه

یکی از مسائل مهمی که باید مورد بحث قرار گیرد، کیفیت نزول و تجلی قرآن کریم است. خدای سبحان در سوره مبارکه «قدر» می فرماید: «ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم» (إنا أنزلناه فی لیلة القدر) و در جای دیگر، نزول قرآن را در شبی مبارک می داند: «حم» والکتاب المبین * إنا أنزلناه فی لیلة مبارکة إنا کنّا منذرین» (دخان / ۳). جمع این دو آیه و برخی آیات دیگر نشان می دهد که قرآن کریم به صورت دفعی در شب مبارک قدر نازل شده است.

از سوی دیگر، تاریخ مسلم و شأن نزول آیات نشان دهنده آن است که قرآن به صورت تدریجی و طی ۲۳ سال نازل شده است. در خود قرآن نیز آیاتی بر نزول تدریجی اجزای آن تصریح دارند. در آیه کریمه ای فرموده است: «وقرانا فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً» (اسراء / ۱۰۶) یعنی، قرآن را متفرق نازل کردیم تا تو آن را به تدریج دریافت و به تدریج بر مردم تلاوت کنی. در آیه کریمه دیگری، اعتراض کافران را بیان می فرماید که می گفتند چرا قرآن بر تو، مانند «تورات» موسی، یکباره نازل نشده است؟ «وقال الذین کفروا لو لا نزل علیه القرآن جمله واحده» (فرقان / ۳۲) خدای سبحان در جواب این اعتراض، خطاب به رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - می فرماید: «کذلک لنتبت به فؤادک ورتلناه ترتیلاً» (فرقان / ۳۳). یعنی نزول تدریجی قرآن، برای تثبیت قلب توست.

بنابراین، ظاهر آیات قرآنی در مسئله کیفیت نزول قرآن متفاوت است. برخی از آن ها بر نزول دفعی و یکباره قرآن و برخی دیگر بر نزول تدریجی و در طول زمان رسالت آن حضرت دلالت دارند. این معنا از نظر قرآن شناسی مسلم است که هرگز اختلاف و تعارضی بین آیات کریمه قرآن وجود ندارد. خود قرآن نیز در این باره می فرماید: «ولو کان من عند غیر الله لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً» (نساء / ۸۳) یعنی اگر این قرآن از نزد غیر خدای سبحان می بود، به طور یقین اختلاف فراوانی بین آیاتش راه می یافت ولی از آنجا که از ناحیه ذات اقدس الله است، هیچ گونه تعارض و اختلافی در آن راه ندارد، بلکه هماهنگی و انسجام فوق العاده ای نیز در سراسر آن به چشم می خورد. (الله نزل أحسن الحدیث کتاباً متشابهاً مثالی - زمر / ۲۳).

کلید واژه: قرآن کریم، ترویل، ترویل وحی، ترویل تدریجی

قرآن کریم که تجلی ذات اقدس الله است، بهترین گفتاری است که آیاتش متشابه و مثانی‌اند و با یکدیگر تشابه، هماهنگی و هم‌بستگی دارند. نه تنها اختلاف ندارند بلکه مکمل و تمام‌کننده یکدیگرند. برای هر یک از دو دسته آیات یادشده محملی است که با محمل دیگر هماهنگ است. برای تبیین انسجام بین آیات مزبور می‌توان چنین گفت: قرآن کریم دوگونه نزول داشته که یکی به صورت دفعی انجام گرفته است و دیگری به صورت تدریجی. هر دسته از آیات مورد اشاره نیز بر یکی از این دو گونه نزول دلالت دارد.

نقد یک نظر

برخی برای جمع کردن میان این دو دسته از آیات گفته‌اند: قرآن کریم تنها یک نزول تدریجی داشته است و آیتی که بر نزول قرآن در شب مبارک قدر دلالت دارند، مربوط به آغاز نزول قرآن هستند که در شب قدر صورت گرفته است. زیرا شروع

کارهای مهم و متدرج، مبدأ تحقق آن‌ها به حساب می‌آید. پس به لحاظ مبدأ نزول گفته شده که قرآن در شب قدر نازل شده است. این سخن با ظاهر قرآن سازگاری ندارد؛ زیرا ظاهر آنجا که فرمود: «إنا أنزلناه فی لیلة القدر» (قدر/۱) و نیز در سوره مبارکه «دخان» که نخست به قرآن و کتاب مبین قسم می‌خورد و سپس می‌فرماید: ما آن را در شب مبارکی نازل کردیم، مجموع قرآن مقصود است نه بخشی از آن. علاوه بر اینکه خود قرآن می‌فرماید: نزول قرآن در ماه مبارک رمضان صورت گرفته است: «شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن» (بقره/۱۸۵) و چون شب قدر هم در ماه مبارک رمضان است، پس اگر منظور اولین نزول قرآن باشد نه همه آن، آغاز رسالت باید در ماه رمضان باشد. در حالی که تاریخ مسلم امامیه بر آن است که بعثت آن حضرت در ماه رجب واقع شده است و اگر منظور آغاز نزول وحی نباشد، اختصاصی برای شب مبارک و لیلة القدر نیست؛ زیرا هر بخش از قرآن در زمانی خاص نازل شده است. بنابراین، ماه مبارک و شب مبارک، ظرف نزول تمام قرآن است نه



برخی گفته‌اند: قرآن کریم تنها یک نزول تدریجی داشته است و آیاتی که بر نزول قرآن در شب مبارک قدر دلالت دارند، مربوط به آغاز نزول قرآن هستند که در شب قدر صورت گرفته است که این سخن با ظاهر قرآن سازگاری ندارد

خصوص آیات آغازین آن. وگرنه باید مبدأ رسالت، ماه مبارک رمضان باشد نه ماه اَصْبَحَ رَجَب و نه بخشی از مجموع قرآن؛ زیرا در آن صورت، میان ماه رمضان و غیر آن فرقی نمی‌بود.^۱

استاد علامه طباطبایی (قدس سره) در تفسیر وزین «المیزان» فرموده‌اند: «قرآن کریم در دو مرتبه نازل شده؛ مرتبه‌ای از آن بسیط و یکپارچه و مصون از تغییر است و مرتبه دیگری به صورت تفصیلی و غیربسیط است و صلاحیت تغییر و تحول به گونه ناسخ و منسوخ و مانند آن را دارد. آنچه در شب مبارک قدر بر قلب مطهر رسول اکرم- صلی الله علیه و آله و سلم- نازل شده، همان مرتبه بسیط قرآن است و آنچه طی دوران رسالت بر آن حضرت- صلی الله علیه و آله و سلم- نازل شده، همان مرتبه تفصیلی و غیربسیط است که با ناسخ و منسوخ همراه است». (المیزان، ج ۲: ۱۸-۱۵). این تحقیق ایشان با بعضی از شواهد قرآنی و روایی قابل تطبیق است، لیکن

باید عنایت کرد که نزول قرآن کریم در شب قدر نمی‌تواند به صورت بسیط محض باشد؛ زیرا به فرموده خود قرآن، شب قدر شبی است که هر امر حکیم و یکپارچه‌ای تفریق و تفصیل می‌یابد (فیها یفرق کل امر حکیم- دخان/۴). شب قدر، شب تقدیر و اندازه‌گیری و گسترش است و چنین شبی با آن مرتبه از قرآن که بسیط محض است تناسبی ندارد. قرآن مانند امور دیگر، هم دارای مرحله «حکیم» بسیط، واحد، ثابت و مانند آن است و هم دارای مرحله «تفریق» ترکیب، تکثیر تدریج و نظیر آن. آنچه در شب مبارک قدر نازل می‌شود، باید متناسب با تفریق باشد نه جمع؛ چون در آن شب هر چیز حکیم و جمع، به صورت تفریق ارائه می‌شود.

نزول اجمالی در عین کشف تفصیلی

قرآن کریم دارای سه مرتبه عالی، متوسط و نازل است، مرتبه عالی قرآن همان ام‌الکتاب و کتاب مکنونی است که در مقام لدن و نزد ذات اقدس الله است. مرتبه

متوسط قرآن همان است که در دست فرشتگان مقرب است، و مرتبه نازل آن هم عین قرآنی است که لازم‌اش الفاظ و مفاهیم است و به صورت عربی مبین تنزل یافته و جامعه انسانی در خدمت آن است. مرتبه نازله قرآن به صورت تفصیلی و طی سالیانی نازل شده و این نزول هم نزولی تدریجی است که در این قسمت بحثی نیست. رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - در مرتبه عالی، قرآن را با مرتبه عالی قلب دریافت کرده‌اند و در مرتبه نازله، قرآن را با سمع و بصر قلب گرفته‌اند و در شب قدر، با مرتبه متوسطه قلب. مرتبه عالی قرآن - که در مقام لدن جای دارد - حقیقتی بسیط و محض است که هیچ‌گونه کثرت و تفصیلی در آن راه ندارد و نزول آن مرتبه، بر وجود مبارک رسول گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - در

شب معراج و بدون واسطه فرشتگان و به صورت مستقیم رخ داده است و چنان که پیش از این گفته شد، حضرت رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - در مقامی حقیقت مکنون قرآن را از ذات اقدس الله تلقی کردند که فرشته مقرب و جبرئیل امین گفت: «لو دنوت أنملة لاحترفت» (بحار، ج ۱۸: ۳۸۲).

مقام «لدن» مقام قضای الهی و همان مرتبه بسیط محض قرآن است که حضرت رسول - صلی الله علیه و آله و سلم - آن را در مقام رفیع و بلند و بدون واسطه دریافت کردند. قرآن در شب قدر، که هر قضایی در آن «قَدَر» می‌شود، توسط جبرئیل، که روح امین است، بر قلب مطهر پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - نازل شد: «نزل به الروح الامین» علی قلبک لتکون من المندرجین» (شعراء/ ۱۹۴ - ۱۹۳). البته در این مرحله، مرتبه بسیط محض قرآن، از بساطت محض مقام لدن خارج شده و به نوعی تفصیل یافته که متناسب با شب قدری است که هر محکمی در آن تفصیل می‌یابد: «فیها یفرق کل أمر حکیم» (دخان/ ۴). بنابراین، آنچه در شب مبارک قدر نازل شده، مرتبه متوسطی است بین مرتبه عالی بسیط و مرتبه نازل تفصیلی آن. از این جهت، چون بسیط است با نزول دفعی در شب قدر متناسب است و چون بسیط محض نیست و نوعی تفصیل در آن

وجود دارد، با تقدیری بودن شب قدر و تفریق تناسب دارد.

پاسخ به یک اشکال

با این بیان، ابهام و اشکال دیگری نیز حل می‌شود که اگر شب قدر، شب اندازه‌گیری است و لازم‌اش عدم بساطت قرآن است، پس چرا از کلمه «انزال» استفاده شده است؟ ماده «نزل» اگر به باب افعال برود، می‌شود «انزال» و استعمال آن بدون قرینه در امور دفعی است نه تدریجی و تفصیلی. اگر این ماده به باب تفعیل برود، می‌شود «تنزیل» و استعمال آن در امور تدریجی و تفصیلی است نه دفعی و یکپارچه و بسیط؛ مگر با شاهد و قرینه. در آیاتی که نزول قرآن را در شب قدر بیان می‌دارند، از کلمه «انزال» استفاده شده است نه «تنزیل». این خود مانعی برای اثبات نزول دفعی قرآن در شب قدر است. زیرا اگرچه

کلمه «انزال» با نزول دفعی سازگاری دارد و متناسب است، با تقدیری بودن و تفصیلی بودن شب قدر سازگاری ندارد. رفع این مشکل با بیان گذشته روشن می‌شود که گرچه قرآن نازل شده در شب قدر، امری بسیط و یکپارچه است، در عین بساطت و اجمالی که دارد، واجد نوعی تفصیل نیز هست که هماهنگ با تقدیری بودن شب قدر است. کلمه «انزال» هم اگر در این باره نازل شده، از جهت بساطت قرآن در این شب است. شاید آنچه در این باره رسیده که همه قرآن در ماه مبارک و شب قدر یک جا نازل شده است، ناظر به همین معنا باشد؛ نه مانند الواح موسی (علیه السلام) به صورت کتاب دفعی و مدون معنوی (نه صوری) بر رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - نازل شده باشد. چون چنین نزول دفعی با حکمت تدریجی بودن آن - که در برخی آیات بازگو شد - هماهنگ نیست. البته نزول دفعی آن به این معنا امتناع عقلی ندارد لیکن در این حال، آن حکمت یاد شده ناظر به حال امت اسلامی خواهد بود، نه به لحاظ شخص رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم.

پی‌نوشت

۱. برای تحقیق بیشتر، رک: تفسیر تسنیم، ذیل آیه ۱۸۵ سوره بقره.
۲. شاید بتوان این مطلب را از بحث استاد علامه (رض) درباره آیه اول سوره هود استفاده کرد.